مدیریت شهری
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017
۴۵۹-۴۷۶
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۸/۱۲ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۴/۱

استخراج راهبرد های محیطی مؤثر در پیشگیری از جرایم بر اساس نظریه (CPTED) (مطالعه موردی: مجتمع های مسکونی شهر رشت)

سیده فرگل حسینی دیوشلی- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
امیررضا کریمی آذری*- استادیار، دانشکده معماری و هنر، گروه معماری، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

چکیده

تبیین نقش کالبدی شهر بر کاهش جرائم، موضوع با اهمیتی است که در قالب نظریه های نوین شهرسازی مورد بحث قرار گرفته است. هدف مقاله حاضر استخراج راهبرهای نظریه (CPTED) و تعیین سهم و رتبه هر یک از آن ها در پیشگیری از جرایم در مجتمع‌های مسکونی شهر رشت می‌باشد. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و روش جمع آوری اطلاعات در آن، پیمایشی و روش تحقیق توصیفی- تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق نیز در مرحله اول ۱۰ تن از متخصصین معماری و در مرحله دوم ۳۹۰ نفر از ساکنین مجتمع‌های مسکونی شهر رشت می‌باشند که سه مجتمع ابریشم، کاکتوس و پردیسان به عنوان نمونه موردی انتخاب شدند. برای انجام تجزیه و تحلیل های آماری نیز از نرم افزار آماری اس.پی.اس.اس و تحلیل عاملی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در قسمت قلمرو بندی متغیر «استفاده از موانع واقعی و نمادین» با بار عاملی ۰/۶۳۷، در قسمت افزایش نظارت متغیر «نظارت بر ورودی ساختمان ها با استفاده از نورپردازی» با بار عاملی ۰/۷۷۸، در قسمت کنترل ورودیها و دسترسی ها متغیر «اجتناب از طراحیهای جزئی و جلو آمدگیها و عقب نشینیها» با بار عاملی ۰/۵۷۴ و در قسمت بهبود کیفیت‌های محیطی نیز متغیر «اختصاص دادن یک فضای تعریف شده مشترک به ساکنین هر یک از بلوکها» با بار عاملی ۰/۵۴۱ بیشترین سهم را در پیشگیری از جرایم در مجتمع‌های مسکونی به خود اختصاص دادند.

واژگان کلیدی: جرم، نظریه (CPTED)، راهبردهای محیطی، پیشگیری، مجتمع‌های مسکونی در رشت.

Extraction of effective environmental strategies in preventing of crimes based on CPTED theory (Case study: residential complexes of Rasht)

Abstract

Clarifying the role of city structure on reducing crimes is an important subject which is discussed in format of new theories of urbanism. The objective of present article is to extract theoretical strategies CPTED and determining contribution and rank of each of them is in preventing from crimes in residential complexes of Rasht. Present research is practical and the method of information collection in it is traversal and research methodology is analytical-descriptive. Statistical community are 10 persons of architectures in the first step and 390 persons of residents in residential complexes in the second step that three complexes such as Abrisham, Kaktous and Pardisan are selected as case matters. SPSS statistical software and factor analysis are used for statistical analysis. Findings of this survey show that in territory part, the variable "using real and symbolic barriers" with operating load 0.637, in increasing supervision of variable "supervision on Buildings' entrance by use of lighting" with operating load 0.778, in control of entrances and availability of variables "avoiding from partial designs and protrusility and setbacks" with operating load 0.574 and in improvement of environmental quality variable "allocating common defined environment to residents of each blocks" with operating load 0.541 has assigned the most contribution in preventing from crimes in residential complexes.

Keywords: crime, CPTED theory, environmental strategies, prevention, residential complexes in Rasht.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۴۴۳۵۶۸۷۳، رایانامه: amirreza_karimiazeri@guilan.ac.ir

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

مقدمه

با رشد و توسعه شهرنشینی و گسترش کلان‌شهرها و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی شهروندان در شهرها، مفهوم امنیت در شهرها، از حالت اولیه و جنبه‌های فیزیکی محسوس خارج شده و ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را در بر گرفته است؛ رشد و گسترش ناامنی در شهرها با مطرح شدن پیچیدگی فنآوری و تقسیم کار اجتماعی بیش از توسعه فیزیکی شهرها بوده و این امر احساس امنیت و آسایش و رفاه شهروندان را مورد تهدید قرار داده است (بهیان و فیروزآبادی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۳). افزایش جرم که رابطه نزدیکی با میزان امنیت (اجتناب از زیانهای فیزیکی و اجتماعی) دارد (Oktay and Jalaladdini, 2012: 665) زمینه‌های عدم رضایت را از محیط ایجاد کرده است. در میان عوامل متعدد تأثیر گذار بر جرم مانند عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیستی، روانی، محیطی (کالبدی)و غیره، دو عامل بیش از همه مهم به نظر می رسند. عامل اول، روابط خاص شهروندان و ساختار جامعه شهری که به دلیل تضاد فرهنگی حاصل از مهاجرت افراد مختلف در شهرهاست و عامل دوم به فرم کالبدی شهر و شکل ساختمانها و نماهای شهر مربوط میشود، مانند: حاشیه نشینی، اشکال هندسی خیابانها و میادین، دسترسی غیرمجاز به بزرگراه‌ها، تراکم بیش از حد ساختمانها، ساختمانهای نیمه ساخته و مخروبه و غیره (افضلی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۴۰). بحث امنیت شهری و پیشگیری از جرایم نیز به عامل دوم شکل گیری جرایم یعنی عامل کالبدی مربوط می شود. در مباحث نوین مطرح در طراحی شهری و برنامه ریزی شهری از اصولی یاد میشود که در آن تلاش می شود تا زمینه بروز جرم در یک مکان خاص را تا حد امکان از طریق طراحی و برنامه ریزی صحیح برطرف نماید. توجه به این نکته که رفتار انسان در فضا و مکان های متفاوت با شکل و هندسه خاص و نیز با عملکرد نهفته در آن، متفاوت بوده و در بسیاری موارد فضا محرک انسان در بروز رفتار خاص (که گاهاً ممکن است رفتاری مجرمانه باشد) می باشد امری ضروری است (ادیبی سعدی نژاد و عظیمی، ۱۳۹۰، ص ۸۳). با توجه به این مطالب، تحقیق در ارتباط با راهکارهای ارتقاء امنیت و پیشگیری از وقوع جرم در مجموعه های مسکونی، به کمک طراحی محیطی ضروری به نظر می رسد. تئوری پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی با فعالیت معماران و طراحان شهری و جرم شناسان آمریکایی مانند جیکوبز[۱]، اسکار نیومن[۲]، جفری[۳] و اسجلمو انجل[۴] شکل می گیرد. این تئوری جزء رهیافت های مکانیکی در پیشگیری از جرم است و بر این اعتقاد است که با طراحی درست و کابردی موثر از محیط می توان علاوه بر کاهش جرم بر کیفیت زندگی نیز افزود. به عبارت دیگر اگر محیط به نحوی طراحی شود که بتواند باعث بهبود نظارت افراد شود، تعلق خاطر ساکنان را به قلمرو خود بالا می برد و با ایجاد تصویری مثبت از محله، فرصت های مجرمانه را کاهش خواهد داد و مجرمان را از ارتکاب جرم باز میدارد (میر جمشیدیان و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۳۲). بنابراین برنامه ریزی و طرّاحی محیطی، می تواند نوعی رویکرد هدفمند در جهت کاهش جرائم در محیط های مصنوع شهر قلمداد شود که به‌طور مؤثری در افزایش سرمایهٔ اجتماعی، بهبود کیفیّت و افزایش رضایتمندی شهروندی در نتیجه بهبود رفاه اجتماعی تأثیر بسزایی دارد (کلانتری خلیل آباد و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۶). از این رو در این مقاله پس از گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیق میدانی (پرسشنامه و مصاحبه)، ضمن استخراج راهبردهای نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، به اولویت بندی و تعیین سهم و رتبه هر یک از این متغیرها پرداخته میشود. این مقاله در پی پاسخ به سؤالات زیر می باشد: ۱. راهبردها و راهکارهای نظریه (CPTED)[۵] که مؤثر بر پیشگیری و کاهش جرم در مجتمع های مسکونی می باشند، کدامند؟ ۲. کدام یک از این راهبردها و اصول دارای رتبه و سهم بیشتری در پیشگیری از جرایم هستند؟

۱. Jacobs
۲. Oscar Newman
۳. Jeffery
۴. Scholmo Angel
۵. Crime Perevention Through Environmental Design

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

ضرورت و اهمیت تحقیق

امنیت، پیش زمینه یک جامعه سالم و احساس امنیت، بسترساز توسعه جوامع انسانی است و سعادت یک اجتماع در گرو حفظ و بقای امنیت و احساس ناشی از آن است (Ehsanifard et al., 2013:322). وجود امنیت در محیطهای شهری یکی از الزامات اساسی کیفیت زندگی محسوب می شود. امروزه با توجه به گستردگی شهرنشینی و رواج ناامنی های اجتماعی در شهرها، مطالعه موضوع امنیت و پیشگیری از جرایم و عوامل مؤثر بر آن و راهکارهای تقویت امنیت در شهرها ضرورت یافته است (ذبیحی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰). جرم و ارتکاب به جرم در جوامع امروزی به عنوان یک مشکل اجتماعی همه ساله بر زندگی هزاران تن از شهروندان اثر سوء می گذارد. جرمهایی از قبیل دزدی، تجاوزات، قتل و ربودن در اصل تهدیدات جدی بر علیه ایمنی و امنیت در یک جامعه می باشند (مستوفی الممالکی و بهرامی، ۱۳۹۳، ص ۹۴) و هزینههای زیادی را به دنبال دارند. در سطح جهانی، سیستم عدالت کیفری، در یک تخمین هر ساله ۴۲۴ بیلیون دلار هزینه می کند و این یک هزینه خیلی زیاد و بیهوده است (Melenhorst & Cozens, 2014: 67). در بررسی های جغرافیایی جرایم شهری چند عامل کلیدی قانون، مجرم، قربانی جرم (شی و شخص)، مکان جرم و زمان جرم مورد توجه قرار می گیرد. در میان این عوامل کلیدی، نقش مکان (محیط) به طور متمایز، از حوزه برنامهریزی، طراحی و مدیریت شهری مورد توجه قرار میگیرد (خلقت دوست و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۶۰). بنابراین آنچه انجام این پژوهش را ضروری می نماید، ظرفیت بالقوه فضاهای شهری و کالبد محیط در کاهش و یا جلوگیری از جرایم است (پاک نژاد، ۱۳۹۳، ص ۵۹)، زیرا اگر در اثر طراحی محیطی مناسب، جرمزدایی به صورت اصولی انجام گردد مشکل بسیاری از شهرها و محلات ما در خصوص همبستگی اجتماعی، تمایل به مشارکت، هویت، حس تعلق مکانی، میزان استفاده از محیط و غیره برطرف می گردد. از جمله جرائم موجود در شهرها می توان به سرقت، قاچاق مواد مخدر و قتل و غیره اشاره نمود که طبق مطالعات انجام گرفته بیشترین این رفتارها در محلات مسکونی اتفاق افتاده است (مستوفی الممالکی و بهرامی،۱۳۹۳، ص ۹۵).

اهداف و فرضیات پژوهش

هدف کلی این پژوهش، استخراج راهبردهای مؤثر در پیشگیری از جرایم در مجتمع های مسکونی شهر رشت بر اساس نظریه (CPTED) می باشد،که این امر اولا با بررسی تحلیلی رابطه میان ویژگی های کالبدی فضای مسکونی و پیشگیری از جرایم و سپس دست یابی به مجموعهای از مولفهها و راهکارهای طراحی فضای مسکونی در جهت تاثیر مثبت بر ارتقاء امنیت و کاهش جرم حاصل می شود. هدف آرمانی این پژوهش نیز ارتقاء سطح امنیت در مجتمعهای مسکونی به کمک طراحی محیطی به منظور رسیدن به جامعه ایمنتر، بهبود کیفیت زندگی شهروندان و سوق جامعه به سمت امنیت روانی، اجتماعی و اقتصادی می باشد. اهداف فرعی این پژوهش نیز به صورت زیر می باشند: ۱. استخراج راهکارهای مؤثر در پیشگیری از جرم در راستای تقویت قلمرو بندی؛ ۲. استخراج راهکارهای مؤثر در پیشگیری از جرم در راستای افزایش نظارت؛ ۳. استخراج راهکارهای مؤثر در پیشگیری از جرم در راستای افزایش کنترل ورودی و دسترسی ها؛ ۴. استخراج راهکارهای مؤثر در پیشگیری از جرم در راستای افزایش بهبود کیفیتهای محیطی.

همچنین این پژوهش در راستای آزمودن فرضیه های زیر انجام شده است: ۱. در قسمت قلمرو بندی، متغیر استفاده از موانع واقعی و نمادین برای تعیین شفافیت سلسله مراتب فضاها، بیشترین بار عاملی را در پیشگیری از جرایم در مجتمعهای مسکونی دارا می باشد. ۲. در قسمت افزایش نظارت، متغیر نظارت بر ورودی ساختمان ها با استفاده از نورپردازی، بیشترین بار عاملی را در پیشگیری از جرایم در مجتمعهای مسکونی دارا میباشد. ۳. در قسمت کنترل ورودیها و دسترسیها، متغیر اجتناب از طراحیهای جزئی و جلو آمدگیها و عقبنشینیها (به گونهای که به عنوان پله یا نردبان برای ورود به ساختمانها مورد استفاده قرار گیرند)، بیشترین بار عاملی را در پیشگیری از جرایم در مجتمعهای مسکونی دارا می باشد. ۴. در قسمت بهبود کیفیتهای محیطی، متغیر

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

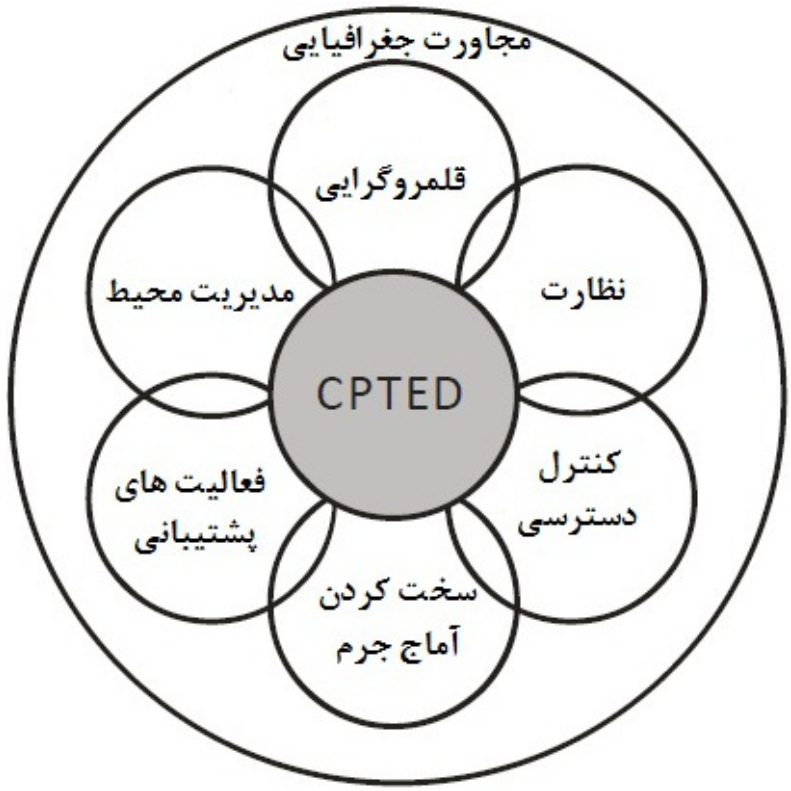
اختصـاص دادن یـک فضـای تعریـف شـده مشـترک بـه سـاکنین هـر یـک از بلـوک هـا بـرای انجـام فعالیـت هـای مشـترک، بیشـترین بـار عاملـی را در پیشـگیری از جرایـم در مجتمع‌هـای مسـکونی دارا می‌باشـد.

مبانی نظری

تعریف نظریه (CPTED)

نظریـه (CPTED) بـر ایـن ادعـا اسـتوار اسـت کـه بـا طراحـی مناسـب و کاربـردی مؤثـر از محیـط و بـا بهبـود در کیفیـت محیـط زندگـی مـی تـوان از جـرم پیشـگیری کـرد و بـر تـرس از جـرم نیـز غلبـه یافـت (Ahmadi et al., 2015: 96). همـان طـور کـه در شـکل (۱) مشـاهده مـی شـود، بـر اسـاس جدیـد تریـن تحقیقـات، ایـن نظریـه روی هفـت مفهـوم کلیـدی تعییـن قلمـرو(قلمـرو گرایـی)- نظـارت- کنتـرل ورودی- مدیریـت محیـط(بهبـود کیفیـت محیطـی)- فعالیـت هـای پشـتیبانی- سـخت کـردن آمـاج جـرم - مجـاورت جغرافیایـی (اشـاره دارد بـه تأثیـر زمینهـا و فعالیـت هـای نزدیـک بـر روی امنیـت و ایمنـی یـک سـایت ویـژه) تمرکـز میکنـد (Ekblom, 2011; Cozens, 2015: 74).

شکل ۱. اصول هفت گانه نظریه CPTED؛ مأخذ:Love and Cozens, 2015: 396 .



[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

سیر نظریه پردازی پیرامون نظریه CPTED

با ورود به قرن بیستم، بحث تاثیرگذاری محیط و نقش آن در تحقق بزهکاری وارد مرحله تازه ای شد. تئوری تاثیر محیط کالبدی ساخته دست بشر بر رفتارهای از اوایل دهه ۶۰ تا ۷۰ میلادی در آمریکا مطرح شد (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۵۴). همان طور که در جدول (۱) مشاهده می شود، بعد از این دهه بود که در اثر فعالیت هایی افرادی چون جین جاکوبز، اسچلمو آنجل، الیزابت وود[۶]، سی. ری جفری و اسکار نیومن و غیره این نظریه و روابط میان محیط و جرم بیشتر آشکار شد (قائد رحمتی و شمسی، ۱۳۹۲، ص ۶۵). نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی روی محیط هایی که معمولاً هدف رفتارهای جرمخیز واقع می شوند، تمرکز می‌کند و سپس روی تکنیکها و روشهایی که می توانند رفتارهای جرم خیز رادر محیطهای تحت تأثیر واقع شده کاهش می‌دهند، تأکید می ورزد (Sakip et al., 2012: 629).

جدول ۱. پیشینه و سوابق رویکرد CPTED در آرای اندیشمندان

دهه	نظریه پرداز	نظریات و اصول پیشنهادی
۱۹۶۰	جاکوبزدر کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی	چشمان ناظر بر خیابان؛ مرزبندی روشن بین فضای عمومی و خصوصی؛ پیوسته مورد استفاده قرار گرفتن پیاده راه ها؛ ایجاد اختلاط در کاربری
۱۹۷۰	جفری در کتاب جلوگیری از جرایم شهری با طراحی محیطی	انتشار کتاب پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی که در انتخاب نام رویکرد CPTED مؤثر بود؛ کاهش وقوع جرم از طریق حذف تقویت کننده‌های آن
۱۹۷۰	اسکار نیومن در کتاب فضاهای قابل دفاع	قلمرو و ایجاد حس مالکیت در ساکنین؛ نظارت طبیعی و توانایی دیدن و دیده شدن؛ بهبود سیمای ساختمان؛ مجاورت کاربری مسکونی با دیگر امکانات مورد نیاز مردم؛ نوشتن کتابی در اصلاح قبلی اش، با عنوان «خلق فضای قابل دفاع»؛ بررسی تاثیر گونه‌های مسکن بر توانایی ساکنان در کنترل محیط؛ وجود کمترین میزان فضای غیرقابل دفاع در بلوک های شهری متشکل از خانه های تک واحدی؛ قرار داشتن باغ- آپارتمانها در میان خانه های تک واحدی و بلند مرتبه ها از نظر دارا بودن فضای غیر قابل دفاع؛ دارا بودن بیشترین میزان فضای غیر قابل دفاع در بلند مرتبه ها؛ راحت تر بودن کنترل فضاهای عمومی برای ساکنین در آپارتمان های کم واحد
۱۹۸۰	ویلسون[۱] و کلینگ[۲] و پل براتینگهام در کتاب جرم شناسی شهری	نگهداری و مواظبت از محله نظیر عدم وجود عناصری چون پنجره های شکسته یک ساختمان، وجود آشغال و ... در محله؛ ارایه نظریه پنجره های شکسته؛ کاهش ظرفیت طبیعی جرم خیزی مناطق شهری؛ اشاره و تاکید بر ناکارآمدی قوانین و استاندارد های طراحی شهری و معماری؛ نقش موانع طبیعی و باز دارنده های موقعیتی در کاهش فرصت دهی برای تجاوزات و جرایم شهری
۱۹۸۰	ساویل [3]و کلولند[۴]	ایجاد رویکرد نسل دوم CPTED و توصیه به در نظر گرفتن مسائل اجتماعی و روانشناسانه در ورای توجه به محیط فیزیکی برای پیشگیری از جرم در مناطق مسکونی
۱۹۰۰ و ۲۰۰۰	تیم کرو[۵] مسئول برنامه های آموزشی جهانی CPTED	ارایه استراتژی و روش مندی این رویکرد؛ برگزاری کنفرانس ها و همایش های بین المللی با عتوان CPTED
۲۰۰۰	ساویل	ایجاد مدل امنیت گستری که وظیفه ی ایجاد امنیت و پایدار نگه داشتن ان در محلات را به ساکنین واگذار می کند تا به کمک متخصصین به این امر مهم دست یابند.

۶. Elizabeth Wood

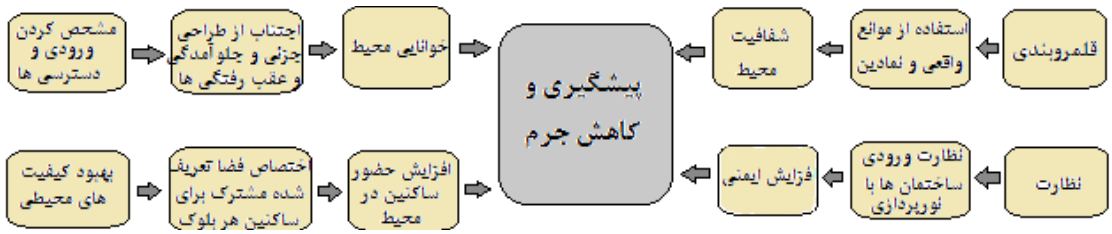
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

نگاهی به پیشینه رویکرد CPTED

پژوهش گران کشور طی چند ساله گذشته، به مباحث مربوط به مطالعه رابطه جرم و محیط توجه کرده‌اند و بررسی ها نشان از افزایش توجه به این موضوع در متون علمی کشور دارد که از مهم ترین پژوهش های انجام شده در این زمینه می توان به مقاله های زیر اشاره کرد.

صدیق سروستانی و نصر اصفهانی (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «مطالعه عوامل مؤثر بر ترس از جرم در محله های شهری (مطالعه محله ای در منطقه ۵ شهر تهران)»، به آزمودن سطح ترس از جرم شهروندان در یکی از محله‌های تهران با تدوین مدل علی پرداختند. مدل نظری پژوهش پس از جمع آوری اطلاعات با به کارگیری روش معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار آموس آزمون شده و مدل نهایی برازش شد. یافته های تحقیق حاکی از آن بود که بی نظمی در محله مهم ترین تبیین کننده ترس از جرم در محلات شهری است. تجربه بزهدیدگی و رضایت از محله نیز تأثیر چشمگیری بر سطح ترس از جرم شهروندان دارند. غفاری، نعمتی مهر و عبدی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «تکامل رویکرد پیشگیری از جرم مبتنی بر طراحی محیطی (CPTED) در محیط های مسکونی» به بررسی مرحل تکامل رویکرد (CPTED) و ارایه راهکارهایی برای کمک به معماران و طراحان شهری در جهت طراحی محیط مسکونی ایمن در برابر جرایم پرداختند. یافته های حاصل از این پژوهش نشان می دهد که امنیت محیطی، صرفاً پدیده ای حاصل از مداخلات کالبدی (ایده های نسل اول) نیست بلکه پدیده ای نیازمند نگرشی عمیق و جامعه شناختی است که در قالب جاری ساختن ایده ها و اصول نسل دوم به عنوان مکملی بر نظرات نسل اول و در نهایت، اجرای این ایده ها توسط خود ساکنین محلات و با نظارت متخصصین امر در قالب گام های امنیت گستری، از دل محلات سالم و پایدار برآمده و در طول زمان، تداوم می یابد. میر غلامی، شکرانی دیزج، صدیق فر و موسویان (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان«بررسی میزان امنیت مجتمع های محصور با استفاده از روش تعیین ضریب مکانی و کانون‌های جرم خیز (مطالعه موردی: شهر ارومیه)» به بررسی کاربرد نظریه «مجتمع‌های محصور و دروازه دار» و میزان انطباق پذیری آن در شهر ارومیه پرداختند. در این پژوهش که از نوع کاربردی می باشد، از روش های تعیین ضریب مکانی و کانون های جرم خیز استفاده شده است. نتایج حاصل حاکی از آن بود که ایجاد حصار و دروازه‌های ورودی در مجتمع های محصور توانسته است نقش قابل ملاحظه ای در کاهش جرایم در مقایسه با کل شهر داشته باشد. لطفی و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی مؤلفه‌های کالبدی فضاهای عمومی و تأثیر آن در احساس امنیت اجتماعی شهروندان بابلسر»، به شناسایی شاخصها و عوامل مؤثر بر ویژگی های محیطی و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی پرداختند. نتایج تحقیق بیانگر آن بود که عوامل محیطی (۰/۲۹) و پس از آن نور (۰/۲۸۳) بیشترین تأثیر را در ارتقای احساس امنیت اجتماعی فضاهای عمومی شهر دارند. فرجیراد و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهش خود تحت عنوان «تحلیل شاخص های اثر گذار بر ارتقای امنیت محیطی در بافت تاریخی شهر یزد»، به واکاوی یکی از دلایل مهم جمعیت‌گریزی و تنزل امنیت محیطی شهر یزد پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که شاخصهای خوانایی، پوشش گیاهی و نظارت غیررسمی دارای شرایط نامناسبی بودند، لذا ضروری است که در اولویتهای اولیه اقدام در بافت تاریخی شهر یزد در راستای افزایش امنیت محیطی قرار گیرند. با ارزیابی مقالات مطالعه شده و در نظر داشتن این نکته که مطالعات اینچنینی در شهر رشت تا کنون صورت نگرفته، هدف از مقاله حاضر، استخراج راهبرد های نظریه (CPTED) برای ارتقاء امنیت و پیشگیری از جرم در مجتمعهای مسکونی شهر رشت می باشد و امید است که نتایج آن بتواند در کاهش جرم و بهبود کیفیت زندگی شهروندان کارآمد و مؤثر واقع شود. مدل مفومی پژوهش در شکل (۲) بیان شده است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش؛ مأخذ: نگارندگان.

روش تحقیق

روش تحقیق، در پژوهش حاضر با توجه به اهداف تعیین شده، کاربردی و عملی بوده و از حیث ماهیت موضوع، توصیفی –تحلیلی می باشد .گردآوری اطلاعات در این پژوهش به دو روش کتابخانه ای و میدانی انجام گرفته است. در روش کتابخانه ای به بررسی مهم ترین نظریات و پیشینه پژوهش پرداخته شده است. در روش میدانی نیز از مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۰ نفر از متخصصین معماری و همچنین پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری ما در این مرحله ساکنین مجتمع های مسکونی شهر رشت بودند که به دلیل نامحدود بودن جامعه، بر اساس فورمول حجم بهینه کوکران[۷] و با درنظر گرفتن میزان اطمینان ۹۵٪ و خطای قابل قبول ۵٪، تعداد حجم نمونه برابر با ۳۸۴ نفر به دست آمد و ۳ مجتمع ابریشم، پردیسان و کاکتوس به عنوان نمونه موردی مورد بررسی قرار گرفته اند. همان طور که در جدول (۲) مشاهده می شود، در بخش اول پرسشنامه، اطلاعات فردی آنها شامل جنس، سن، وضعیت تأهل، شغل و میزان تحصیلات مورد پرسش قرار گرفت. در بخش دوم پرسشنامه به پرسش های اصلی در قالب۵ قسمت قلمروبندی، نظارت، کنترل ورودی و دسترسی ها، کیفیت های محیطی محله و فاکتورهای جرم پرداخته شده است. در این پژوهش به منظور بررسی روایی پرسشنامه از «روایی صوری» یا «روایی ظاهری» و برای برآورد پایایی ابزار اندازه‌گیری از ضریب آلفای کرونباخ[۸] استفاده گردیده است که این ضریب در قسمت قلمروبندی برابر با ۷۵۶/.، در قسمت نظارت برابر با ۸۲۴/.، در قسمت کنترل ورودی ها و دسترسی ها برابر با ۰/۸۵۸ و در قسمت بهبود کیفیت های محیطی نیز برابر با ۸۶۰/. بدست آمد. روش آماری مورد استفاده تحلیل عاملی است. تحلیل عاملی زمانی که هدف محقق یافتن عامل های مکنون جهت تلخیص داده ها از بین مجموعه ای از آن ها باشد، روش کارآیی است (سجادی و احمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۴). تحلیل و آنالیز داده ها نیز به وسیله نرم افزار اس.پی.اس.اس[۹] انجام گرفت.

جدول ۲. خلاصه متغیر های جمعیت شناختی نمونه؛ مأخذ: یافته های پژوهش

توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس جنس	مرد	زن			
	٪۵۱/۵	٪۴۸/۵			
توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس سن	کمتر از ۲۰ سال	۲۰–۴۰	۴۰–۶۰	بالاتر از ۶۰سال	
	٪ ۷/۴	٪۵۹	٪۲۸/۵	٪۵/۱	
توزیع پاسخگویان بر اساس وضعیت تأهل	مجرد	متأهل			
	٪۲۶/۴	٪۷۳/۶			
توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس وضعیت شغلی	دولتی	آزاد	دانشجو	سایر	
	٪ ۱۸/۷	٪۳۳/۱	٪۱۴/۶	٪۳۳/۶	
توزیع پاسخگویان بر اساس میزان تحصیلات	زیر دیپلم	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس فوق لیسانس و بالاتر	
	٪۱۳/۱	٪۳۴/۴	٪۱۹/۵	٪ ۲۶/۷	٪۶/۴

۷. Cochran formula
۸. Cronbach's Alpha
۹. SPSS

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول ۳. ضریب آلفای کرونباخ عوامل برای تعیین پایایی ابزار اندازه گیری؛ مأخذ: یافته های پژوهش

متغیر ها	تعداد گویه ها	ضریب آلفای کرونباخ
قلمروبندی	۷	۰/۷۶۵
نظارت	۷	۰/۸۲۴
کنترل ورودی ها و دسترسی ها	۷	۰/۸۵۸
بهبود کیفیت های محیطی	۷	۰/۸۶۰

محدوده مورد مطالعه تحقیق

شهر رشت مرکز استان گیلان می باشد که از شمال به دریای خزر و مرداب انزلی، از غرب به رودخانه پسیخان، صومعه سرا و فومن از جنوب به شهرسنگر و رودبار و از شرق به کوچصفهان وآستانه اشرفیه محدود است. رشت در ۴۹ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۱۶ دقیقه عرض شمالی واقع شده که وسعت قانونی محدوده آن بالغ بر۱۸۰ کیلومتر مربع در زمینی مسطح و هموار به ارتفاع به طور میانگین ۵ متر از سطح آب های آزاد قرار دارد، جمعیت این شهر در سرشماری سال ۱۳۹۰ حدود ۶۳۹ هزارو ۹۵۱ نفر بوده که با تراکم جمعیتی ۴۳۴۰ نفر بر کیلومتر مربع می باشد (علی آقازاده رودسری، ۱۳۹۲، ص ۲). با توجه به بزرگی شهر و آمار قابل توجه جرم در این شهر، رشت به عنوان شهر مورد مطالعه تحقیق انتخاب شد و سه مجتمع ابریشم، پردیسان و کاکتوس به عنوان نمونه موردی انتخاب شدند. در شکل (۳)، موقعیت شهر رشت در استان گیلان و در شکل (۴)، موقعیت سه مجتمع مورد مطالعه تحقیق ارائه شده است.





شکل ۴. موقعیت سه مجتمع مسکونی مورد مطالعه در تصویر هوایی رشت؛ مأخذ: نگارندگان و شکل ۳. موقعیت شهر رشت در تصویر هوایی استان گیلان؛ مأخذ: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری گیلان.

یافته ها و نتایج

استخراج اهداف و راهبردهای نظریه‌ی(CPTED)

همان گونه که در جدول (۴) مشاهده می شود، بر اساس ادبیات موضوع و پس از مطالعات دقیق و بررسی و تحلیل های انجام گرفته بر روی منابع فارسی و لاتین مختلف، جدولی حاوی معیارها، اهداف و راهکارهای طراحی رویکرد (CPTED) به منظور ارتقاء امنیت و پیشگیری از جرم در مجموعه‌های مسکونی به‌دست آمد که میتواند به عنوان یک راهنما برای طراحی مجموعه‌های مسکونی امن و عاری از جرم به معماران و طراحان کمک نماید. طبق مطالعات انجام شده، به طور کلی می توان گفت راهبردهای نظریه (CPTED) با تغییر در وضعیت و محیط ساخته شده موجب ایجاد سلسله مراتب دسترسی، افزایش نظارت و رؤیت پذیری، ایجاد خط دیدی شفاف در فضا، حذف نقاط غافلگیری، کنترل دسترسی، بهبود کیفیت محیطی، ایجاد هویت مکانی، ایجاد کاربری مختلف و متنوع در محیط، افزایش حضور افراد در فضاهای عمومی، افزایش تعاملات اجتماعی و در نهایت کاهش فرصتهای مجرمانه می شود که این کاهش فرصت ها نیز منجر به پیشگیری از جرم می شود.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول ۴. معیار ها، اهداف و راهکارهای طراحی رویکرد به منظور ارتقاء امنیت و پیشگیری از جرم در مجموعه های مسکونی

معیارهای رویکرد	اهداف	راهبردها و راهکارهای طراحی
قلمرو بندی	- القای حس مالکیت در ساکنین - احساس تعلق نسبت به مکان (تعلق مکانی) - افزایش شناسه، هویت و خلوت - افزایش نظارت و مراقبت ساکنان بر محدوده تحت قلمروی خود - غریب گز بودن - کاهش نفوذ پذیری (دسترسی) - تقویت حس همسایگی و افزایش تعاملات اجتماعی - تقلیل تقابلهای اجتماعی، مشکلات همسایگی و در نتیجه کاهش جرم و جنایت	- رعایت سلسله مراتب دسترسی به فضاها (گذر از فضای عمومی به فضای خصوصی) - تفکیک و طراحی آشکار و مشخص عرصه های عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی - قرارگیری فضای نیمه خصوصی یا نیمه عمومی (فضای حائل) مابین فضاهای عمومی و فضاهای خصوصی - استفاده از موانع واقعی (مانند دیوارها، حصارها، نرده ها و غیره) و موانع نمادین (مانند تغییر سطح، تغییر بافت، تغییر رنگ، تغییر الگوی مسیر، تغییر مقیاس و تناسب، عقب نشینی نسیت به معبر، نورپردازی مکان یا تغییر در روشنایی مکان، دروازه ورودی، در ورودی، فضای سبز و منظر سازی، گذرگاه های سرپوشیده، نشانه گذاری، تابلوها، علائم و غیره) برای تعیین شفافیت سلسله مراتب فضا - طراحی فضاهای تعریف شده و با کارکرد معین و حذف فضاهای غیرضروری، اضافی و مبهم - برخورداری هر یک از واحد های مسکونی از پارکینگ اختصاصی - استفاده از فضای نیمه باز (مانند ایوان، بالکن و تراس) در جلوی خانه ها برای ایجاد یک فضای گذار بین عرصه عمومی و خصوصی. - ایجاد مرز های مشخصی برای عرصه های خصوصی از طریق کاشتن گیاه، سنگ فرش یا نرده کشی - هماهنگ سازی ساختمان ها به وسیله شماری از عناصر طراحی (مانند رنگ، شکل، سطوح پر و خالی و سبک معماری)

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

نظارت	- فراهم آوردن فرصت های مراقبتی و نظارتی برای ساکنان، همسایگان و رهگذران - افزایش دید و رؤیت پذیری - بالا بردن قلمرو گرایی - تقویت حس همسایگی - حضور بیشتر ساکنان در فضاهای عمومی مجموعه - القای حس امنیت - غلبه بر ترس از جرم - مهار فرصت های ارتکاب جرم، افزایش خطر ناشی از ارتکاب جرم و در نتیجه کاهش جرم	- عدم وجود فاصله زیاد بین ساختمان ها و خیابان - طراحی نمای اصلی خانه ها رو به خیابان و فضاهای عمومی - قرار گرفتن پنجره ها و بالکن های اتاق های فعال (نظیر آشپزخانه یا نشیمن) به سمت خیابان ها، معابر، فضاهای عمومی و فضای بازی کودکان - قرار گرفتن ورودی بلوک ها به سمت خیابان ها، کوچه ها و معابر - در نظر گرفتن بالکن، تراس یا ایوان (فضای باز و نیه باز خصوصی) برای همه واحدها به سمت عرصه های عمومی - عدم قرارگیری دیوار های پر و بدون پنجره در کنار خیابان - رؤیت پذیری مکانهای مشترک بلوکها (مانند پلکان، آسانسور، لابی، پاگرد وغیره) از بیرون ساختمان - قرار گیری فضاهایی نظیر آشپرخانه یا نشیمن (که در بیشتر ساعات روز زندگی فعالانه در آن ها در جریان است) در فاصله ی کمتری نسبت به عرصه های عمومی - طراحی ورودی بلوک ها به نحوی که فرد قبل از خروج یا قبل از ورود، فضای پیش ورودی را به طور کامل ببیند. - پرهیز از جلو آمدگی ها و عقب نشینی ها در طراحی ساختمان ها به گونه ای که مانع دید شود. - اجتناب از طراحی گوشه ها، زاویه ها، نقاط کور، کنج ها و مکان های مخفی در فضاهای اشتراکی بلوک ها - اجتناب از طراحی گوشه ها، زاویه ها، نقاط کور، کنج ها و مکان های مخفی در فضاهای عمومی مجموعه مسکونی - کاستن از نقاط غافل گیری در طراحی محیط تا حد امکان (این نقاط، فضاهایی کوچک و تنگ هستند که با استفاده از موانع از سه طرف پوشیده شده اند/ فضاهای U شکل) - استفاده از نرده های شفاف(که از هر دو طرف قابل دید باشد) به جای دیوار در نقاط آسیب پذیر - اجتناب از کاشت درختچه های بلند و درختان رو به روی دروازه، ورودی ها، پنجره ها، بالکن ها، و یا ابزار های صنعتی چون چراغ روشنایی، دوربین های مدار بسته و غیره - کاشت گیاهان بلند جلوی دیوارها و گیاهان کوتاه تر و درختچه ها (حداکثر ارتفاع یک متر) در مجاورت پیاده رو ها - طراحی تعدادی از پارکینگ ها در محوطه باز جلوی خانه ها و در مقابل واحد های مسکونی - نظارت بر ورودی ساختمان ها با استفاده از نور پردازی.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

کنترل ورودی و دسترسی ها	- کنترل ورود و خروج و جلوگیری از ورود بزهکاران و مجرمان - تقویت حس قلمرو گرایی و احساس مالکیت - افزایش نظارت طبیعی - افزایش جهت یابی و خوانایی - کاهش فرصت های مجرمانه، افزایش تلاش برای ارتکاب جرم و در نتیجه کاهش جرم	- تعریف ورودی مشخص و متمایز برای مجموعه مسکونی - قرار گیری اتاق نگهباتی نزدیک ورودی مجموعه - استفاده از پیاده رو ها برای تعریف حد و مرزها - اختلاط سواره و پیاده - آرام سازی ترافیک در خیابان ها و کوچه های محلی. - استفاده از موانع واقعی و نمادین برای محدودیت دسترسی افراد غیر مجاز و کنترل معابر (موانع فیزیکی شامل حصار های توری، دیوار آجری، پرچین و غیره و موانع روانی شامل احداث باغچه و فضای سبز، تغییر در سطح طبقه همکف، نشانه گذاری روی مسیرها، تغییر سنگ فرش خیابان، تغییر پهنای مفروض یا ذهنی خیابان و غیره) - محدود کردن دسترسی ها به پشت ساختمان - دسترسی مستقیم و نزدیک از ورودی بلوک ها به پارکینگ ها - بن بست کردن کوچه ها در صورتی که مسیر های منتهی به آن ها کوتاه و مستقیم بوده و ابتدا و انتهای آن ها مشخص باشد.(حد اکثر طول معابر بن بست اتومبیل رو ۲۰۰ متر) - در نظر گرفتن تنها یک ورودی پیاده برای هر بلوک مسکونی - اجتناب از طراحی های جزئی و جلو آمدگی ها و عقب نشینی ها به گونه ای که به عنوان پله یا نردبان برای ورود به ساختمان ها مورد استفاده قرار گیرند. - استفاده از حفاظ برای بالکن های طبقه اول در طول جداره ی فعال خیابان - موضع درختان و تیر چراغ برق نباید به گونه ای باشد که امکان بالا رفتن از آن ها برای ورود به ساختمان فراهم شود. - ایجاد یک مسیر اصلی به عنوان راهنما که تمام بخش های مجتمع مسکونی، در فاصله ی کوتاهی از آن قرار داشته باشند. - عدم طراحی راه های پیچ در پیچ و ناخوانا - قابل رؤیت بودن و سادگی مسیر های دسترسی - کاهش تعداد واحدهایی که دارای ورودی مشترک هستند.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

بهبود کیفیت های محیطی	- انتقال پیام های مثبت به ساکنان - تقویت حس قلمروگرایی و مالکیت در میان ساکنان - افزایش شناسه و هویت مکانی - ارتقاء حس تعلق نسبت به فضا - بالا بردن حضور ساکنان در مجموعه - افزایش تعاملات اجتماعی و سرزندگی - افزایش نظارت طبیعی - القای حس امنیت - کاهش جرم	- عدم طراحی استخان بندی مجموعه مسکونی به صورت پیچیده و ناخوانا - استفاده از عناصر طبیعی (آب و گیاه و غیره) در عرصه های عمومی مجموعه - هماهنگی و یکپارچگی احجام ساختمانی - ریتم و هماهنگی نماها و عناصر کالبدی - قراردادن مبلمان هایی جهت نشستن در طول مسیرها و حضور افراد در فضا - اختصاص دادن یک فضای تعریف شده مشترک به ساکنین هر یک از بلوک ها برای انجام فعالیت های مشترک جمعی - طراحی منظر مجموعه و استفاده از مبلمان شهری مناسب و زیبا - تقسیم کردن فضاهای بزرگ جمعی به فضاهای جمعی کوچکتر اختصاصی به منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی - اختصاص دادن فضای ما بین ساختمان ها به طیف متنوعی از کاربری ها از جمله زمین بازی، فضاهای گردش و غیره - در نظر گرفتن فضاهای جمعی، مشارکتی و تفریحی برای ساکنان و برای گروه های سنی مختلف

(مأخذ: نگارندگان)

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

پس از استخراج تمامی راهبردها و راهکارهای نظریه (CPTED)، بر اساس مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۰ نفر از متخصصین معماری، در هر یک از قسمت های قلمروبندی، نظارت، کنترل ورودی و دسترسی ها و بهبود کیفیت های محیطی ۶ راهبرد را که نسبت به دیگر عوامل بیشتر قابل اهمیت بودند انتخاب و از طریق پرسشنامه مورد ارزیابی قرار دادیم تا سهم هر یک را در پیشگیری از جرم مشخص کنیم.

- تعیین سهم متغیرها در پیشگیری از جرم

تحلیل عمومی نامی عمومی است برای برخی از روش های آماری چند متغیره که هدف اصلی آن خلاصه کردن داده ها است. این روش به بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می پردازد و در نهایت آن ها را در قالب عامل های عمومی محدودی دسته بندی کرده و تبیین می کند. از این رو، در تحقیق حاضر از تحلیل عاملی اکتشافی با رویکرد تلخیص داده ها استفاده شده است. بدین منظور، متغیرهای مرتبط با پیشگیری از جرم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

بررسی آزمون KMO : در این تحقیق مقدار KMO برابر با ۰/۸۶۲ به دست آمد و چون بالاتر از ۰/۷۵ است، نشان می دهد که وضعیت داده ها (همبستگی های موجود / بین داده ها) برای تحلیل عاملی در حد خوب است.

جدول ۵. اعتبار سازه ای ابزار اندازه گیری از طریق تحلیل عامل تاییدی

KMO	۰/۸۶۲
کای اسکوئر	۱۰۸۲/۵۰۸
	۱۰
سطح معناداری	۰/۰۰۰

(مأخذ: یافته های پژوهش)

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

تعیین میزان اشتراک متغیرها با عوامل:
میزان اشتراک نمایانگر نسبتی از واریانس هر یک از متغیرها است که با سایر متغیرها مشترک است. این میزان در مرحله بعد از چرخش نمایانگر نسبتی از واریانس هر متغیر است که توسط عوامل استخراج شده تبیین می گردد. از این رو، در این تحقیق، مبنای معنی داری بار عاملی ۳/ است.

جدول ۶. تعیین کردن رتبه راهبردهای نظریه (CPTED) در قسمت قلمروبندی بر اساس تحلیل عاملی؛ مأخذ: یافته های پژوهش

گویه های قلمرو بندی	بار عامل ها
۱- استفاده از یک فضای نیمه باز (ایوان، بالکن و تراس) در جلوی خانه ها برای ایجاد یک فضای گذار بین عرصه عمومی و خصوصی	کمتر از ۰,۳
۲- هماهنگ سازی ساختمان ها (به وسیله شماری از عناصر طراحی مانند رنگ، شکل و سطوح پر و خالی)	کمتر از ۰,۳
۳- ایجاد مرزهای مشخصی برای عرصه های خصوصی (از طریق کاشتن گیاه، سنگ فرش یا نرده کشی)	۰,۴۳۱
۴- رعایت سلسله مراتب دسترسی به فضاها (گذر از فضای عمومی به فضای خصوصی)	۰,۵۴۷
۵- برخورداری هر یک از واحدهای مسکونی از پارکینگ اختصاصی	۰,۶۱۳
۶- استفاده از موانع واقعی (مانند دیوارها، حصارها، نرده ها و غیره) و نمادین (مانند تغییر سطح، تغییر بافت، تغییر رنگ، تغییر الگوی مسیر و غیره) برای تعیین شفافیت سلسله مراتب فضاها	۰,۶۳۷

همان گونه که از نتایج تحلیل داده‌ها بر اساس جدول (۶) بر می آید، متغیر «استفاده از موانع واقعی (مانند دیوارها، حصارها، نرده ها و غیره) و نمادین (مانند تغییر سطح، تغییر بافت، تغییر رنگ، تغییر الگوی مسیر و غیره) برای تعیین شفافیت سلسله مراتب فضاها» با بار عاملی ۰,۶۳۷ بیشترین سهم را در پیشگیری از جرم در قسمت قلمروبندی به خود اختصاص داده است بنا بر این مناسب ترین راهبرد در راستای پژوهش می باشد و گویه‌های استفاده از یک فضای نیمه باز (ایوان، بالکن و تراس) در جلوی خانه ها برای ایجاد یک فضای گذار بین عرصه عمومی و خصوصی و هماهنگ سازی ساختمان ها (به وسیله شماری از عناصر طراحی مانند رنگ، شکل و سطوح پر و خالی) با بار عاملی کمتر از ۳/، گویه های خیلی مناسبی برای تحقیق نبودند. بنابراین فرضیه شماره ۱ مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۷. تعیین کردن رتبه راهبردهای نظریه (CPTED) در قسمت نظارت بر اساس تحلیل عاملی

گویه های نظارت	بار عامل ها
۱- عدم وجود فاصله زیاد بین خانه ها و خیابان	۰,۵۳۴
۲- طراحی نمای اصلی خانه ها رو به خیابان و عرصه های عمومی	۰,۴۵۶
۳- اجتناب از طراحی منظر به صورتی که نقاط کور یا مکان های مخفی از دید ایجاد کند	۰,۳۳۱
۴- نظارت بر ورودی ساختمان ها با استفاده از نورپردازی	۰,۷۷۸
۵- طراحی تعدادی از پارکینگ ها در محوطه باز جلوی خانه ها و در مقابل واحدهای مسکونی	۰,۷۰۹
۶- کاستن از نقاط غافل گیری در طراحی محیط تا حد امکان (این نقاط، فضاهایی کوچک و تنگ هستند که با استفاده از موانع از سه طرف پوشیده شده اند. فضاهای U شکل)	۰,۶۴۳

همان گونه که از نتایج تحلیل داده ها بر اساس جدول (۷) بر می آید، متغیر «نظارت بر ورودی ساختمانها با استفاده از نورپردازی» با بار عاملی ۰,۷۷۸ بیشترین سهم را در پیشگیری از جرم در قسمت نظارت به خود اختصاص داده است بنا بر این مناسب ترین راهبرد در راستای پژوهش می باشد و گویه «اجتناب از طراحی منظر به صورتی که نقاط کور یا مکان های مخفی از دید ایجاد کند»

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

با بار عاملی ۰,۳۳۱ کمترین سهم را در پیشگیری از جرم به خود اختصاص داده است. بنابراین فرضیه شماره ۲ مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۸. تعیین کردن سهم و رتبه راهبردهای نظریه (CPTED) در قسمت کنترل ورودی و دسترسی ها بر اساس تحلیل عاملی؛ مأخذ: یافته های پژوهش

گویه های کنترل ورودی و دسترسی ها	بار عامل ها
۱-کاهش تعداد واحدهایی که دارای ورودی مشترک هستند (بیشتر از ۴ آپارتمان از یک ورودی مشترک استفاده نکنند)	۰,۴۱۳
۲- استفاده از پیاده رو ها برای تعریف حد و مرزها	۰,۴۴۰
۳- -تعریف ورودی مشخص و متمایز برای مجتمع مسکونی	۰,۵۴۰
۴-عدم طراحی راه های پیچ در پیچ و ناخوانا	۰,۳۶۳
۵- بن بست کردن کوچه ها (در صورتی که مسیر های منتهی به آن ها کوتاه و مستقیم باشد)	۰,۴۲۶
۶- اجتناب از طراحی های جزئی و جلو آمدگی ها و عقب نشینی ها (به گونه ای که به عنوان پله یا نردبان برای ورود به ساختمان ها مورد استفاده قرار گیرند)	۰,۵۷۴

همان گونه که از نتایج تحلیل داده ها بر اساس جدول (۸) بر می آید، متغیر «اجتناب از طراحی های جزئی و جلو آمدگی ها و عقب نشینی ها (به گونهای که به عنوان پله یا نردبان برای ورود به ساختمانها مورد استفاده قرار گیرند)» با بار عاملی ۰,۵۷۴ بیشترین سهم را در پیشگیری از جرم در قسمت کنترل ورودی و دسترسی ها به خود اختصاص داده است بنا بر این مناسب ترین راهبرد در راستای پژوهش می باشد و گویه «عدم طراحی راه های پیچ در پیچ و ناخوانا» با بار عاملی ۰,۳۶۳ کمترین سهم را در پیشگیری از جرم به خود اختصاص داده است بنابراین فرضیه ی شماره ۳ مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۹. تعیین کردن سهم و رتبه راهبردهای نظریه (CPTED) در قسمت بهبود کیفیت های محیطی بر اساس تحلیل عاملی؛ مأخذ: یافته های پژوهش

گویه‌های بهبود کیفیت های محیطی	بار عامل ها
۱-رسیدگی به نمای خانه ها	کمتر از ۰,۳
۲- استفاده از عناصر طبیعی (آب و گیاه و غیره) در عرصه های عمومی مجموعه	کمتر از ۰,۳
۳- طراحی منظر مجموعه و استفاده از مبلمان شهری مناسب و زیبا	کمتر از ۰,۳
۴- هماهنگی و یکپارچگی احجام ساختمانی	۰,۳۷۹
۵- قرار دادن مبلمان هایی جهت نشستن در طول مسیرها (با هدف حضور افراد در فضا و کاهش اقداماتی چون تخریب گرایی)	۰,۵۱۹
۶- اختصاص دادن یک فضای تعریف شده مشترک به ساکنین هر یک از بلوک ها (برای انجام فعالیت های مشترک جمعی)	۰,۵۱۴

همان گونه که از نتایج تحلیل داده ها بر اساس جدول (۶) بر می آید، متغیر «اختصاص دادن یک فضای تعریف شده مشترک به ساکنین هر یک از بلوکها (برای انجام فعالیت های مشترک جمعی)» با بار عاملی ۰,۵۴۱ بیشترین سهم را در پیشگیری از جرم در قسمت بهبود کیفیت های محیطی به خود اختصاص داده است بنا بر این مناسب ترین راهبرد در راستای پژوهش می باشد و گویه های «رسیدگی به نمای خانه ها» و «استفاده از عناصر طبیعی (آب و گیاه و غیره) در عرصه های عمومی مجموعه» و «طراحی منظر مجموعه و استفاده از مبلمان شهری مناسب و زیبا» با بار عاملی کمتر از ۰,۳، گویه های خیلی مناسبی برای تحقیق نبودند. بنابراین فرضیه شماره ۴ مورد تأیید قرار گرفت.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

هدف نظریه (CPTED) درطراحی مسکونی، ایجاد مکان هایی ایمن از طریق کاهش امکان دسترسی به اموال، نظارت مناسب و ایجاد حس مالکیت و مسئولیت پذیری است. باید متذکر شد که (CPTED) نمی تواند پادزهر تمام جرایم باشد وآن ها را ریشه کن کند اما به عنوان یک راه حل مکمل، همراه با سایر راهبرد های پیشگیری از جرم می تواند مؤثر واقع شود. بزرگ ترین حسن این رویکرد این است که بر روی پیشگیری از جرم، کاهش فرصت های جرم و از میان برداشتن بسترهای وقوع جرم پیش از وقوع جرم تمرکز دارد. بر اساس یافته های این پژوهش، در واقع محیط کالبدی و طراحی مناسب آن می تواند مانع وقوع جرم شود. از طرفی دیگر طراحی معماری مناسب بر عوامل روانی نیز مؤ ثر است به این معنی که با استفاده از طراحی معماری و عوامل کالبدی مناسب مانند تفکیک و عرصه بندی فضاهای عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی، می توان باعث احساس نا امنی و ترس در مجرمان شد و از این طریق در عوامل روانی مؤثر بر وقوع جرم نیز نقش داشت. پژوهش حاضر با هدف استخراج راهبرد ها و راهکارهای نظریه (CPTED) و تعیین سهم و رتبه هر یک از آن ها در پیشگیری از جرایم در مجتمع های مسکونی شهر رشت انجام شد. در راستای هدف تحقیق، دو مرحله را مورد بررسی قرار دادیم. در مرحله اول بر اساس مطالعات دقیق و بررسی و تحلیل های انجام گرفته بر روی منابع فارسی و لاتین مختلف، راهکارها و راهبردهای نظریه (CPTED) را به منظور پیشگیری و کاهش جرم استخراج نمودیم و به تقسیم بندی آن ها در هر کدام از زیر شاخه های قلمرو بندی، نظارت، کنترل ورودی و دسترسی ها و بهبود کیفیت های محیطی پرداختیم. در مرحله دوم، پس از مصاحبه نیمه ساختاریافته با متخصصین معماری، در هر قسمت گویه هایی را که از اهمیت بیشتری برخوردار بودند انتخاب و از طریق پرسشنامه مورد بررسی و تحلیل قرار دادیم تا رتبه و ارزش هرکدام تعیین شود. بر اساس یافته های قسمت اول پژوهش، هدف مهم قلمروبندی و تفکیک عرصه ها: افزایش شناسه، هویت و خلوت؛ کاهش نفوذ پذیری و دسترسی؛ غریب گز بودن محیط؛ فزایش حس تعلق نسبت به مکان و تقلیل تقابل های اجتماعی و مشکلات همسایگی و در نتیجه کاهش جرم و جنایت می باشد. مهم ترین هدف نظارت محیط نیز فراهم آوردن فرصت های مراقبتی و نظارتی برای ساکنان، همسایگان و رهگذران؛ القای حس امنیت و غلبه بر ترس از جرم می باشد. همچنین کنترل ورودی ها و دسترسی ها نیز باید با هدف کنترل ورود و خروج و جلوگیری از ورود بزهکاران و مجرمان؛ افزایش جهت یابی و خوانایی؛ کاهش فرصت های مجرمانه، افزایش تلاش برای ارتکاب جرم و در نتیجه کاهش جرم انجام گیرد. هدف از بهبود کیفیت های محیطی نیز بالا بردن حضور ساکنان در مجموعه؛ افزایش تعاملات اجتماعی و سرزندگی و القای حس امنیت می باشد. یافته های قسمت دوم پژوهش نیز حاکی از آن است که در رتبه بندی عوامل این تحقیق، به ترتیب در قسمت قلمرو بندی، نظارت، کنترل ورودی و دسترسی ها و بهبود کیفیت محیطی عاملهای استفاده از موانع واقعی (مانند دیوارها، حصارها، نرده ها و غیره) و نمادین (مانند تغییر سطح، تغییر بافت، تغییر رنگ، تغییر الگوی مسیر و غیره) برای تعیین شفافیت سلسله مراتب فضاها با بار عاملی ۰,۶۳۷ نظارت بر ورودی ساختمان ها با استفاده از نورپردازی با بار عاملی ۰,۷۷۸، اجتناب از طراحی های جزئی و جلو آمدگی ها و عقب نشینی ها (به گونه ای که به عنوان پله یا نردبان برای ورود به ساختمان ها مورد استفاده قرار گیرند) با بار عاملی ۰,۵۴۷ و اختصاص دادن یک فضای تعریف شده مشترک به ساکنین هر یک از بلوک ها (برای انجام فعالیت های مشترک جمعی) با بار عاملی ۰,۵۴۱ بیشترین رتبه و سهم را در پیشگیری از جرایم به خود اختصاص دادند.

با توجّه به آموزه ها و راهکارهای مطرح شده، برنامه های راهبردی ذیل در محدوده مورد مطالعه پیشنهاد می گردد:

1. هرچه قلمروهای خصوصی، نیمه خصوصی و نیمه عمومی، از قلمروهای عمومی به نحو مشخّصی از یکدیگر متمایز شوند، امکان نفوذپذیری فیزیکی و بصری در آن از سطح عمومی به سطح

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

خصوصی کنترل شده تر است و امکان وقوع جرایم نیز به همان نسبت قابل کنترل به نظر می رسد.

2. هرچه وضعیت روشنایی فضاهای اصلی و جانبی مکان در شب کیفیّت بهتری داشته باشد، به نحوی که زوایای کمتری در فضاها و در طول معابر رؤیت شود، احساس امنیّت بیش تری به وجود می آید.

3. هرچه در فرم کالبدی؛ طراحی های جزئی، شکاف و محل های مخفی کمتر باشد، به نحوی که قابلیّت رؤیت فضا بیش تر باشد، فضا از ضریب امنیّت بیشتری برخوردار خواهد شد و امکان اجرای اعمال مجرمانه اعم از تعرض به آسایش شهروندان کاهش می یابد.

4. هرچه فضاهای بزرگ به فضاهای کوچک تر تفکیک شوند و فضاهایی برای گروه همسالان در نظر گرفته شود حس تعلق و مالکیت و مسئولیت پذیری افراد نسبت به آن بیشتر شده و از امکان اجرای اعمال مجرمانه در آن جلوگیری می شود.

منابع و ماخذ

- ادیبی سعدی نژاد، فاطمه و عظیمی، آزاده (۱۳۹۰)، تبیین امنیت در محیط شهری بر مبنای پارامترهای کالبدی و طراحی(مورد شهر بابلسر)، فصلنامه آمایش محیط، دوره ی چهارم، شماره ۱۵، صص ۸۱- ۱۰۵.

- افضلی، رسول؛ ظهیری، ساناز؛ بذلی، سکینه و عیوضلو، داوود (۱۳۹۲)، بررسی ابعاد حقوقی قوانین امنیت شهری و عملکرد مسئولان در ساماندهی معضلات امنیتی شهروندان (مطالعه ی موردی: منطقه ی ۱۳ شهر تهران)، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ی چهل و پنجم، شماره ۳، صص ۳۹-۵۴.

- بهیان، شاپور و فیروزآبادی، آمنه (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی درشهر ها(مطالعه ی موردی: کرمان)، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری، سال سوم، شماره ۶، صص۱۰۳-۱۲۲.

- پاک نژاد، نوید (۱۳۹۳)، برنامه ریزی فضاهای امن شهری با رویکردCPTED (نمونهٔ موردی محلهٔ آبک گلابدره واقع در منطقهٔ یک شهرداری تهران)، نشریه ی معماری و شهرسازی هفت شهر،دوره ی چهارم، شماره ۴۷-۴۸ ، صص ۵۸-۶۹.

- خلقت دوست، روزبه؛ زمانی مقدم، افسانه و شمس آبادی، سید طناز (۱۳۹۲)، رابطه ی سازمان فضایی و نفوذ پذیری شهر با میزان امنیت اجتماعی از نظر شهروندان بر اساس مدل CPTED(مطالعه ی موردی: شهر کرج)، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال پنجم، شماره ۱۵، صص ۵۹- ۷۲.

- ذبیحی، حسین؛ لاریمیان، تایماز و پورانی، حمیده (۱۳۹۲)، ارائه مدل تحلیلی برای ارتقاء امنیت شهری از طریق رویکرد امنیت طراحی(SBD) (مطالعه موردی: منطقه۱۷ شهرداری تهران)، مطالعه و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال پنجم، شماره ۱۷.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

- سجادی، اشرف و احمدی، فاطمه (۱۳۹۲)، ارزیابی اثرات گردشگری روستایی شهرستان فومن از دیدگاه جامعه روستایی، فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، سال هشتم، شماره ۲۳.

- صدیق سروستانی، رحمت الله و نصر اصفهانی، آرش (۱۳۹۰)، مطالعه ی عوامل مؤثر بر ترس از جرم در محله های شهری(مطالعه محله ای در منطقه ۵ شهر تهران)، فصلنامه مسائل اجماعی ایران، سال سوم، شماره ۱، صص ۴۹-۱۷۶.

- علی آقازاده ی رودسری، فرهنگ (۱۳۹۲)، بافت های فرسوده، چالش ها و راهکارها جهت رسیدن به ابعاد کالبدی توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر رشت)، اولین کنگره تخصصی مدیریت شهری و شوراهای شهر.

- غفاری، علی؛ نعمتی مهر، مرجان و عبدی، ثمانه (۱۳۹۲)، تکامل رویکرد پیشگیری از جرم مبتنی بر طراحی محیطی (CPTED) در محیط های مسکونی، فصل نامه مسکن و محیط روستا، دوره سی و دوم، شماره ۱۴۴، صص ۳-۱۶ .

- فرجی راد، خدر؛ علیان، مهدی و چراغی، رامین (۱۳۹۵)، تحلیل شاخص های اثر گذار بر ارتقای امنیت محیطی در بافت تاریخی شهر یزد، پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، دوره نهم، شماره ۳، صص۱۴-۲۵.

- قائد رحمتی، صفر و شمسی، هژیر(۱۳۹۲)، بررسی شاخص های طراحی محیطی در پیشگیری از جرم، هویت شهر، دوره ی هفتم، شماره ی ۱۶، صص ۶۳-۷۰.

- کلانتری خلیل آّباد، حسین؛ اردلانی، رونـاک؛ سراجی، سروه و پور احمد، عطیه(۱۳۹۲)، برنامه ریزی فضاهای امن شهری مبتنی برتفکیک جنسیّتی با رویکرد CPTED(نمونه موردی: محلّه فرهنگیان، شهر بناب)، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ی ۱۲، صص ۱۵- ۲۶.

- کلانتری، محسن،حیدریان؛ مسعود و محمودی، عاطفه (۱۳۹۰)، ایمن سازی فضای کالبدی شهرها در برابر بزهکاری با استفاده از راهبردهای پیشگیری جرم با طراحی محیطی، فصلنامه دانش انتظامی، دوره دوازدهم، شماره ۳، صص۵۱-۷۴.

- لطفی، صدیقه؛ مراد نژاد رحیم بردی، آنا و واحدی، حیدر (۱۳۹۴)، ارزیابی مؤلفه های کالبدی فضاهای عمومی و تأثیر آن در احساس امنیت اجتماعی شهروندان بابلسر، پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، دوره چهارم، شماره ۹، صص ۱۳۱-۱۵۲.

- مستوفی الممالکی، رضا و بهرامی، فریبا (۱۳۹۳)، بررسی راهکارهای پیشگیری محیطی از جرم با استفاده از رویکرد CPTED، فصلنامه دانش انتظامی خراسان رضوی، دوره ششم، شماره ۲۴، صص ۹۱- ۱۳۴.

- میر جمشیدیان، علی؛ نعمت زاده، همت و عباس پور، سیاوش (۱۳۹۵)، پیشگیری از جر از طریق طراحی محیطی (CPTED)، پژوهش های جدید در مدیریت و حسابداری، سال دوم، شماره ۴، صص ۳۱-۴۰.

- میر غلامی، مرتضی؛ شکرانی دیزج، مهسا؛ صدیق فر، امین و موسویان، سیده مریم (۱۳۹۴)، بررسی میزان امنیت مجتمع های محصور با استفاده از روش تعیین ضریب مکانی و کانو نهای جرمخیز (مطالعه موردی: شهر ارومیه)، فصلنامه مطالعات شهری، دوره چهارم، شماره ۱۶، صص۵۵-۶۶.

- Ahmadi, B., Afrouz, M., & Hashemi, M. (2015), Applying Enviromental Design Approach (CPTED) to Improve Security in Urban Worn Out Texture; Case Study: Urmia Downtone, Iran, Journal of Civil Engineering and Urbanism, Vol.5 Issue.2, pp. 94-101.

- Cozens, paul. (2015). Perceptions of Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED) at Australian Railway Stations, Journal of Public Transportation, Vol.18 No.4, pp.73-92.

- Cozens, P., & Love, T. (2015),

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

A Review and Current Status of Crime Prevention through Environmental Design (CPTED), Journal of Planning Literature, Vol.30 No.4, pp. 393- 412.

- Cozens, P., & Melenhorst, P. (2014), Exploring Community Perceptions of Crime and Crime Prevention through Environmental Design (CPTED) in Botswana, Papers from the British Criminology Conference, Vol.14, pp. 65-83.

- Ehsanifard, A., Shoaee, H., & Maleki shoja, K ,(2013). New security concept in urbanstudies from the viewpoint of the new city Eshtehard ,Modiriat shahri Journal ,No ,31 .pp.317-334 .

- Ekblom, P. (2011), Deconstructing CPTED and Reconstructing It for Practice, Knowledge Management and Research, *European Journal on Criminal Policy and Research*, Vol.17 No.1, pp. 7-28.

Jalaladdini, S., & Oktay, D. (2012), - Urban public spaces and vitality: a socio-spatial analysis in the streets of Cypriot towns. Procedia-Social and Behavioral .Sciences, 35, pp.664-674

,Mamaghani Sardari Mahdavinia, M., - of Review ,(2014) .S ,Goudarzi & ,.N residential in paradigms environmental Ekbatan in study case A :complexes of Journal Online European ,Complex Special ,Sciences Social and Natural Civil and ,Urbanism ,Architecture on Issue .7-15 .pp ,4.No 3.Vol ,Engineering

Sakip, S. R. M., Johari, N., & Salleh, - M. N. M. (2012). The relationship between crime prevention through environmental design and fear of crime. Procedia-Social .and Behavioral Sciences, 68, 628-636

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]